

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۳ دسمبر ۲۰۱۸

زبان مادری مهم و حیاتی است!

بخش دوم

در تاریخ آموزش به زبان مادری از سوی برخی از اندیشمندان مورد توجه قرار گرفته است. «یوهان آموس کومنیوس» که به عنوان پدر آموزش و پرورش نوین در دنیا شناخته شده است، در نیمه دوم قرن ۱۷ اصولی را برای آموزش و پرورش و یادگیری عنوان کرد که آموزش و پرورش امروزی در دنیا از آن تبعیت می کند. وی اعتقاد داشت که کودکان را بایستی با شناخت و بینش اجسام آشنا کرد. یعنی معانی مستقیم اشیا و اجسام را به کودکان آموخت و در این مسیر، همواره بر ضرورت استفاده از زبان مادری تأکید می کرد. وی بر این عقیده بود که آموزش تا سن ۱۲ سالگی بایستی فقط و فقط به زبان مادری باشد و از این سن به بعد است که آموزش به زبان های دیگر می تواند در برنامه آموزشی فراگیران قرار گیرد و آموزش زبان های دیگر نه از روی دستور زبان، بلکه از طریق خواندن متون انجام گیرد. کومنیوس بر استفاده از عکس و تصویر در آموزش زبان تأکید می کرد. بدین ترتیب، ابتدا کودک با مفهومی که با آن آشنا است ارتباط برقرار می کند و سپس طریقه نوشتاری آن مفهوم را به آن پیوند می دهد و آن مطلب را درک می کند. ۴ اما در مورد کودکان دو زبانه در جامعه ما که بیش از ۵۳ درصد کودکان کشور را تشکیل می دهند، بسیاری از این اصول آموزشی که در کل دنیا کاملاً بدیهی به نظر می رسند مورد توجه قرار نمی گیرند. متأسفانه به طور کلی آموزش و پرورش ایران و حتی دانشگاه ها ایران، از ارزش ها و معیارهای جهان شمول آموزشی جهان، بسیار عقب مانده است. یک کودک شش و هفت ساله غیرفارسی از همان اولین روز تحصیل بایستی با زبانی غیر از زبان مادری خود تحت تعلیم قرار بگیرد که کوچکترین آشنائی با زبان فارسی ندارد و تنها به زبان مادری خود با طبیعت و اطرافیان ارتباط برقرار می کند. این سیستم غیرانسانی و نادرست آموزشی، باعث دل سردی دانش آموزان مناطق دو زبانه از تحصیل و درس و مشق و مدرسه می شود.

البته تعریف زبان به نحوی که مورد قبول همه زبان شناسان و دیگر دانشمندان باشد که با زبان و مطالعه آن سروکار دارند، مقدور نیست. این اشکال از طبیعت خود زبان ناشی می شود. زبان پدیده بسیار پیچیده ای است که مطالعه آن را نمی توان به یک قلمرو علمی خاص محدود کرد و دارای جنبه های فراوانی است. ۵
پروفسور داگلاس براون (H. Douglas Brown- ۱۹۴۱) تعریف زیر را برای زبان بر می گزیند:

«زبان نظامی است متشکل از مجموعه‌ای از نشانه‌های قراردادی عمدتاً آوایی، و بعضاً هم تصویری، که حامل معنی و خاص انسان بوده، در جوامع زبانی یا فرهنگ‌های مختلف برای ایجاد ارتباط میان انسان‌ها به کار می‌رود و اکتساب آن در همه انسان‌ها به صورتی نسبتاً یکسان صورت می‌گیرد. هم زبان و هم فرآیند یادگیری آن دارای ویژگی جهانی بودن هستند.»^۵

پیدایش زبان نوشتاری و به تبع آن انتقال اندیشه از راه کلمات موجبات جهشی عظیم و رو به رشدی در زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی-اقتصادی داشته است، همچنین زبان به عنوان یک واقعیت و ساختاری اجتماعی-فرهنگی است که از عوامل و تغییرات زیست محیطی، ارزش‌ها و دیدگاه‌های اجتماعی تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

هنری سویت - Henry Sweet 1845-1912 زبان‌شناس بزرگ بریتانیایی می‌گوید؛ زبان وسیله بیان عقاید و افکار با استفاده از اصوات موزون است. در واقع زبان یک محصول فکری-ذهنی انسانی و مهم‌ترین وسیله ارتباط، بیان اندیشه و عواطف، آفرینش ادبی، آینه فرهنگ، وسیله ارتباط میان نسل‌ها، عامل اتحاد انسان‌ها و گردآوردن آن‌ها در گروه‌ها و جوامع زبانی مختلف، معرف هویت افراد و جوامع، و یکی از عناصر تعریف و تشخیص ملت‌ها و کشورها و می‌باشد.^۶

بنابراین، زبان وسیله ارتباط بین افراد جامعه است. تنها وسیله‌ای است که می‌تواند افراد جامعه را به هم ببیوندد. منشور زبان مادری توسط سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد؛ یونسکو (UNESCO) تهیه و تصویب شده است. مطابق بندهای سه‌گانه این منشور همه دولت‌ها موظف هستند که برای تقویت و آموزش زبان مادری کلیه منابع، مواد و وسایل لازم را تولید و توزیع نمایند. این منشور تدریس به زبان مادری را وسیله‌ای برای برابری اجتماعی شمرده است. از حدود بیش از نیم قرن پیش که نتایج تحقیقات علمی سازمان یونسکو اثبات نمود که مهم‌ترین عامل افت و شکست تحصیلی در سراسر جهان، عدم آموزش به زبان مادری است، تحصیل به زبان مادری از ابعاد روانی، عاطفی، اجتماعی، حقوقی و غیره، به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته و کنفرانس‌ها سمینارها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، متعدد با عضویت تقریباً تمامی کشورهای جهان در این رابطه برگزار شده است. در همین راستا، سازمان یونسکو در جلسه ۳۰م نشست عمومی خود در سال ۱۹۹۹. روز ۲۱ فوریه را به عنوان زبان مادری نام‌گذاری نمود. تخصیص یک روز به عنوان روز جهانی زبان مادری نشان از این است که یادگیری و آموزش به زبان مادری حق اساسی هر انسانی است.

در گزارش سال ۲۰۱۰ یونسکو، بر مبنای مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در نقاط مختلف جهان آمده است؛ ... «کودکان اقلیت‌های قومی و زبانی یا بومیان یک منطقه، با امید به موفقیت کمتر وارد مدرسه می‌شوند؛ زودتر ترک تحصیل می‌کنند؛ و به سطوح پایین‌تری از موفقیت دست می‌یابند.»^۷

از جمله این تحقیقات می‌توان به «پیناک» (H. Pinnock - ۱۳۹۷) اشاره کرد که نشان می‌دهد ۷۲ درصد از موارد ترک تحصیل در سراسر دنیا در کشورهایی مشاهده می‌شود که دارای تنوع زبانی و فرهنگی هستند و کودکان ساکن در آن‌ها مجبور هستند به زبان دیگری درس بخوانند.

در دوره امپراتوری صفوی که از بین‌النهرین تا آسیای میانه را در بر می‌گرفت سعی می‌شد با تلفیق لغات متداول ترکی و عربی در زبان فارسی یک زبان هیبرید درست شود تا مقامات لشکری و کشوری با آن زبان با هم صحبت بکنند اشعار شعرای بزرگ دوره صفوی که شعرای نامدار آذربایجان نیز هستند از جمله محمد فضولی از ایل بیات قزلباش که کتابدار کتابخانه سامره بود و به هر سه زبان ترکی، فارسی و عربی دیوان‌های شعری جداگانه نیز دارد. همچنین

خیلی از اشعار عمادالدین نسیمی از بنیان‌گذاران طریقت حروفیه با همین زبان هیبرید نوشته شده است. اولیا چلبی سیاستمدار و سیاح بزرگ عثمانی که بعد از جنگ چالدران برای اخذ غرامت به آذربایجان و قفقاز سفر کرده نمونه‌هایی از هر سه زبان را در محاورات روزانه مردم نقل می‌کند. این زبان هیبرید تا پایان دوره قاجار متداول بوده و می‌توان گفت که زبان مشترک ملل ساکن در ایران بوده و کسی با آن مشکل نداشته است. مشکل از زمانی شروع شد که با به‌قدرت رسیدن رضاشاه زبان فارسی به‌زبان رسمی تبدیل شد و سایر زبان‌ها از جمله ترکی و عربی غیررسمی و ممنوع شدند. زبان فارسی که تا آن موقع زبان مشترک بود به‌تتها زبان تبدیل شد و سیستم آموزشی آن و سیاست حامی‌اش با تمام توان خود به نابودی زبان‌های غیرفارسی پرداخت. فارس بودن معادل ایرانی بودن شد بزرگان ادبیات ترکی، عربی، کردی، بلوچی، ترکمنی، گیلکی و غیره به‌فراموشی سپرده شدند. نام آن‌ها در کتاب‌های درسی چاپ نشد و در عوض هر شاعری در هر کجای دنیا و در هر زمان تاریخی شعر فارسی سروده بود شعرای ایرانی نامیده شدند نظیر امیر خسرو دهلوی، جلال‌الدین رومی، نظامی گنجوی، اقبال لاهوری و ده‌ها شاعر و دانشمند دیگر که متعلق به‌ملل و کشورهای دیگر هستند. از آن تاریخ به‌بعد، زبان فارسی دیگر زبان مشترک ایرانیان نیست، بلکه صرفاً یک زبان جایگزین است و کسانی که در ایران زندگی می‌کنند مجبورند فقط به این زبان تحصیل کنند.^۸

در دوره رضاشاه، ساختن جک‌های رکیک علیه ترک‌ها و غیره توسط سازمان اطلاعات رضاشاه یعنی رکن دو ارتش تولید می‌شدند. استانداران منصوب رضاشاه در آذربایجان، افرادی نژادپرست و فاشیست ضدترک بودند. نمونه‌اش عبدالله مستوفی بود.

کمون شماره ۱۷، ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۸